

# درس سلام کردن

رفتن خانم، از مادر بزرگ پرسیدم: شما این خانم را می‌شناختید؟ مادر بزرگ گفت: نه! اولین بار بود که او را می‌دیدم. به مادر بزرگ گفتم: چه جالب! خیلی‌ها برای زیارت به داخل حرم می‌رفتند اما من و مادر بزرگ بعد از دیدن گنبد طلا و سلام دادن به امام، برگشتیم چون مادر بزرگ باید به دکتر می‌رفت. بین راه به مادر بزرگ گفتم: چرا شما به همه سلام می‌کنید؟ او گفت: سلام یکی از نام‌های خدای بزرگ و مهربان است. چه خوب است که همیشه با سلام کردن، یاد خدا باشیم. وقتی با دوست قهری، فقط یک سلام با یک لبخند همه چیز را روبه‌راه می‌کند. با خنده گفتم: تا به حال به این چیزها فکر نکرده بودم. امروز با سلام کردن، یاد گرفتم که همیشه به یاد خدای مهربان باشم. سلام کردن شاید کار ساده و کوچکی باشد، اما کارهای بزرگی می‌کند. سلام عطر دوستی و مهربانی را به همه هدیه می‌دهد. سلام یک انرژی مثبت و بزرگ است که دست به دست می‌شود و همه جا پخش می‌شود.

از این که مادر بزرگ پیش ماست، خیلی خوشحالم. شب‌ها برایم قصه می‌گوید تا خوابم ببرد. امروز همراه مادر بزرگ برای سلام دادن به امام رضا(ع) از خانه بیرون رفتم. هر خانمی که از کنار ما رد می‌شد، مادر بزرگ به او سلام می‌کرد. خانم هم جواب سلام او را می‌داد. مادر بزرگ با لبخند به خانمی سلام کرد. خانم وقتی لبخند مهربان مادر بزرگ را دید، با لبخند جواب سلام مادر بزرگ را داد. چند قدمی همراه ما شد و با مادر بزرگ حرف زد. بعد از خداحافظی و



نویسنده و تصویرگر: طاهره عرفانی